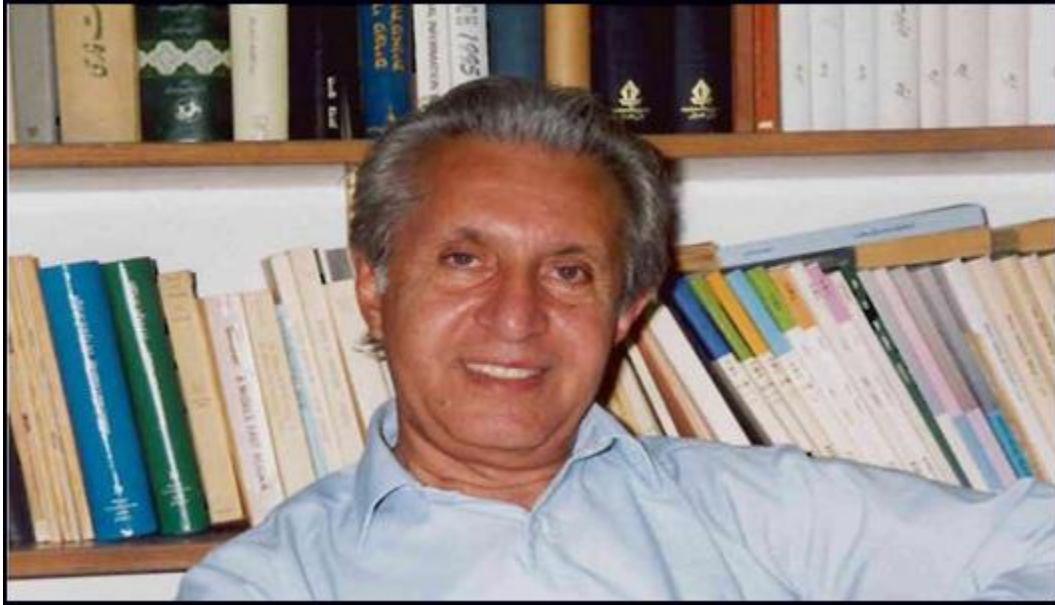


بخش سوم

اماکن مقدس یهودی

در ایران زمین



پروفسور نـتـصـر در این بخش از کتاب  
به شرح اماکن مقدس یهودی  
در خاک ایران می پردازد  
که شمار آن ها در خارج از خاک  
اسرائیل بی نظیر است

## گفت و گوی دوم

# برخلاف اشاکگران یونان و روم، حکومت ایران به یهودیان آزادی داد



پیروزی شاپور اول پادشاه دوم ساسانی بر والریانوس امپراتور روم در نقش رستم

پرسش - پروفیسور نتر، در گفت و گوی پیشین، هنگامی که از شما پرسیدیم چگونه شد که یهودیان در ایران دارای اماکن مقدس هستند، و چگونه مقدسین یهود به خاک ایران رسیدند، شما لازم دانستید یک پیشینه تاریخی را بیان کنید که اصولاً یهودیان چگونه به خاک ایران پای گذاشتند. شما در فرصتی گفته بودید که شمار اماکن مقدس یهودی در ایران بسیار چشمگیر است و در حدی است که در میان همه کشورهای خارج از خاک اسرائیل و همه سرزمین هائی که یهودیان به آن جا رسیدند و در آن جا زندگی می کردند، بیشترین تعداد اماکن مقدس یهودی در خاک ایران قرار دارد و این، نشانی از روابط ۲۷۰۰ ساله بین یهود و ایران است.

**پاسخ -** بله، همین طور است. در سخن پیشین ما به این جا رسیدیم که در دوران داریوش بزرگ نیز تحولاتی در روابط باستانی یهود و ایران به وقوع پیوست و در همین دوره بود که با کمک سخاوتمندانه پادشاه ایران، بازسازی بیت المقدس یهود انجام گرفت. در خود کتاب مقدس یهود اشاراتی به این رویداد هست که آن را می توان در صحیفه عزرا و تا اندازه ای هم در صحیفه نحمیا که دو بخش از اسفار بیست و چهارگانه کتاب مقدس هستند مطالعه کرد.

در سال چهارم سلطنت داریوش بزرگ بود که بازسازی بیت المقدس یهود در اورشلیم آغاز گردید و بی تردید این نکته برای شما جالب است بدانید که همه هزینه بازسازی این کانون دینی و ملی یهودیان توسط پادشاه ایران و از خزانه ملت ایران تامین شد. حساب کنید که دیوار ندبه که یگانه بازمانده خانه خدا و بیت المقدس یهود محسوب می شود، در فاصله چندصد متری از مکانی قرار دارد که اکنون ما در استودیوی ضبط در آن جا نشسته و این گفت و گو را انجام می دهیم. همان مکانی است که هر سال ده ها هزار نفر یهودی از سراسر جهان و از داخل اسرائیل و همچنین صدها هزار توریست خارجی به زیارت آن می آیند.

همان سنگ های بزرگی که این زائران و گردشگران در برابر آن با احترام به نیایش می ایستند و یا در مقابل آن تعظیم می کنند و حتی سنگ ها را لمس کرده و می بوسند و آرزوهای خود را بیان داشته و به نذر و نیاز می پردازند، و یا امیال و خواسته های خود را روی کاغذ کوچکی نگاشته و آن را در لابلای شکاف بین سنگ ها قرار می دهند و آرزو می کنند که پروردگار صلح و نیک بختی بر همه جهانیان عرضه دارد، همه این ها روی کلان سنگ هائی قرار گرفته که با پول ملت ایران خریداری و تهیه شد و برای ساخت دیوار بلند بیت المقدس یهود به کار رفت.

این دیوار که "حصار غربی" یا "کُتِل هَمَعَرَاوی" (הכותל המערבי Hakotel Hama'aravi) نامیده می شود بخشی از بیت المقدس است که با پول ملت ایران از نو بنا گردید. این واقعیتی که گفتم، و هر اندازه نیز شگفت به نظر برسد، حقیقتی است که در صحیفه عزرا در کتاب مقدس یهود نگاشته شده است. همین حقیقت ساده نشان می دهد که مناسبات دو ملت ایران و یهود تا چه حد دوستانه بوده است.

نکته دیگری که در چارچوب مقدمه و آن هم به صورت گذرا می خواهم بگویم، تا بتوانیم به اصل موضوع بپردازیم که همانا اماکن مقدس یهودی در ایران است، به دوران خشایارشا مربوط می شود که در سال های سلطنت خود درگیر جنگ های زیادی، به ویژه با یونان بود و شاید از این رو فعل و انفعال عمده ای بین وی و سرزمین اسرائیل نمی بینیم - و این در همان حالی که دوستی و صمیمیت بین دو ملت ادامه داشت.

اما حتی در دوران خشایارشا نیز کنش و واکنشی بین دو ملت وجود داشت و آن ارتباطی با جشن پوریم و "تومار استر" در کتاب مقدس دارد. و باز به اختصار بگویم که در دوران

اردشیر اول فرزند خشایارشا بود که دوباره اقداماتی در ارتباط با مناسبات بین دو ملت انجام شد و آن هنگامی که پادشاه ایران مامورانی را به سرزمین اسرائیل فرستاد تا حصار دور شهر اورشلیم را از نو بنا کنند.

هم زمان با حکومت اردشیر اول در خاندان هخامنشی و کم و بیش مقارن با ۴۵۰ پیش از میلاد بود که عزرا که در بابل زاده شده بود، با گروه زیادی از یهودیان از بابل به سوی شهر اورشلیم رهسپار شد و نحمیا که یکی از مقامات مهم دربار اردشیر بود، و کتاب مقدس یهود از او به عنوان "جام دار" اردشیر نام برده است، توسط پادشاه ایران به سمت والی سرزمین اسرائیل منصوب شد.

در حاشیه بگویم که "جام دار" سمت بسیار مهمی در دربار شاهنشاهی ایران محسوب می شده که اهمیتش حتی از صدراعظمی بالاتر بوده و او نزدیک ترین همدم پادشاه محسوب می شده است. اردشیر این دستیار یهودی خود را به عنوان والی به اورشلیم می فرستد که در کار بازسازی شهر نظارت کند.

این جا بود که یک همکاری سه جانبه به وجود آمد که از یک سو ایران و کمک های آن سرزمین به اورشلیم در دوران اردشیر اول بود و از جهت دیگر عزرا که توجه او بیشتر به امور دینی معطوف بود - به ویژه آن که او برای گردآوری مطالب پراکنده تورات و دیگر نوشتارهای تاریخی مربوط به ملت یهود همه تلاش خود را متمرکز ساخته بود - و طرف سوم نحمیا قرار داشت که به عنوان والی ماموریت یافته بود طرح بازسازی اورشلیم را به انجام برساند.

در همین دوره بین داریوش بزرگ و اردشیر اول بود که تعدادی از جوانان و سربازان یهودی، یا داوطلب می شوند و یا بسیج می گردند تا از آن جا که یهودیان خود را ملیون ملت ایران و پادشاهان آن می دانستند، از مرزهای دور امپراتوری بزرگ ایران پاسداری کنند و آن گونه که در شماری از کتاب های تاریخ نگاشته شده، در همین دوره است که شماری از سربازان یهودی، در چارچوب حفاظت از مرزهای ایران، بخشی به ناحیه گرگان فرستاده می شوند که در آن ایام هیرکانیا نامیده می شد، و گروهی دیگر به جنوب مصر به نقطه ای به نام الفانتین اعزام می گردند که محل کنونی سد اسوان است و ماموریت آنان با احداث ساتراپ نشین ها، نگاهداری مرزهای دوردست امپراتوری ایران بود.

این واقعیات تاریخی نشانگر آن است که این دوستی و صمیمیتی که در دوران هخامنشی به وجود آمد، و برای هر دو ملت ثمرات مفیدی داشت، در دوران بعدی نیز ادامه یافت و یک پدیده زود گذر نبود.

پس از هخامنشیان، سرزمین اسرائیل به تصرف یونانیان در آمد که رفتارشان با یهودیان کاملاً بر عکس رفتار ایرانیان با این مردمان بود. زیرا در همان حال که ایرانیان در مورد امور

مذهبی اقوام دیگران بسیار آزادمنش بودند و ملت یهود را زیر بال حمایت و دوستی خود گرفته بودند، یونانیان پس از اشغال سرزمین یهود، رفتار ظالمانه ای با آنان در پیش گرفتند.

اشغالگران از بیت المقدس یهود هتک حرمت کردند و آن جا را به نجاست کشاندند، آن ها در صحن مقدس بیت المقدس خوک را که در دین یهود جانوری نجس محسوب می شود ذبح کردند و صحن بیت المقدس را به ورزشگاه مردان نیمه عریان یونانی مبدل ساختند. آن ها فشار سنگینی را بر یهودیان آغاز کردند تا آنان را از سخن گفتن به زبان عبری بازدارند و نیایش های آنان را متوقف سازند و قرائت کتاب مقدس تورات را ممنوع سازند، آئین ختنه را به دور اندازند و خیلی آئین ها و باورها و سنت های دیگر - همه به این هدف که یهودیان از یکتاپرستی دست بردارند و هم باور بت پرستان یونانی گردند.

در حالی که ایرانیان در دوران تسلط بر سرزمین اسرائیل به یهودیان امکان می دادند در باور خویش بمانند و پروردگار را آن گونه که می خواهند ستایش کنند، یونانیان اشغالگر یهودیان را مورد شکنجه های دهشتناک و حتی قتل و کشتار قرار می دادند که آنان باور دینی خود را ترک گویند - یک لحظه توجه کنید که چه تفاوت عظیمی بین رفتار ایرانیان با ستمگری های یونانیان وجود داشته است.

حکومت ظالم یونان از صحنه روزگار نابود گردید و در ایران نیز حکومت دیگری به پا خاست که خاندان اشکانی آن را بنا نهاد و مدت حدود پانصد سالی که بر این پهنه جغرافیائی و از جمله سرزمین اسرائیل حکومت می کردند، بهترین ارتباط را با ملت یهود داشتند. یهودیان نیز بهترین رابطه را با امپراتوری ایران برقرار ساخته بودند.

چرا؟ به علت آن که پادشاهان اشکانی مدت طولانی از دوران حکومت خود را به جنگ و ستیز با یونان گذراندند. از آن جا که یونانیان دشمن ایرانیان بودند و هم زمان، با یهودیان نیز سر ستیز و ستم داشتند، طبیعی است که بین دو ملت ایران و یهود دوباره همکاری به وجود آمد و آن دو بیشتر به هم نزدیک شدند.

در آن دوران بود که بین اشکانیان و ملت یهود همکاری نظامی نزدیکی نیز برقرار شد که هدف از آن براندازی حکومت یونان بود که بالاخره این هدف عملی گردید و یهودیان توانستند یونانیان را از سرزمین خود بیرون کنند.

به دوره رومیان نیز لازم است اشاراتی کنیم. امپراتوری روم هم پس از آن که بر سرزمین اسرائیل مسلط شد، به همان فجایعی دست زد که یونانی ها علیه ملت یهود مرتکب شده بودند. آن ها نیز به ستمگری علیه یهودیان پرداختند و آنان را از نظر اجرای آئین و آداب مذهبی خود زیر فشار گذاشتند و برایشان محدودیت قائل شدند.



همین امر باعث گردید که در میان ملت یهود جنبشی به وجود آمد که می توان گفت ابتدا جنبه آرام و بی خشونت داشت و آن از جانب گروه هائی بود که دیدند ملت کوچک یهود قادر نیست با امپراتوری عظیم و سرکوبگر روم دست و پنجه نرم کند.

به دنبال رسیدن به این ارزیابی بود که گروهی از یهودیان در خود فرو رفتند و درون گرا شدند و راه انزوا و اعتکاف در پیش گرفتند. آن ها در بیابان ها پراکنده شدند و تلاش کردند یک زندگی دور از شهر و آبادی و بی دغلغه برای خویش فراهم سازند و خود را از همه امور دنیوی جدا نگاه دارند و در جریانات ناگوار روز دخالتی نکنند. آن ها می خواستند بدون واسطه قرار دادن دیگران، مستقیماً با خدای خویش ارتباط برقرار ساخته و به راز و نیاز بپردازند.

از میان همین گروه ها بود که مسیحیت به وجود آمد که به آن نمی پردازیم زیرا ارتباط مستقیمی با تاریخ ایران ندارد. ولی در عین حال ارتباطی نیز می توان یافت و آن این که اگر دوران لیبرالیسم دویست ساله هخامنشی نسبت به ملت یهود نبود، این احتمال را نباید از نظر دور داشت که ممکن بود ملت یهود نیز در زیر ستم و ظلم اشغالگران یونانی و رومی نابود شود و از بین برود.

همین دوران همکاری و همیاری بین خاندان اشکانیان و ملت اسرائیل بود که موجب به وجود آمدن یک دوره هشتاد ساله همکاری هائی بین خاندان حشمونائیم یهودی در خاک اسرائیل با حکومت ایران گردید که استقلالی برای یهودیان در خاک خود به وجود آورد. اگر این همکاری نبود، بعید می نماید که خیزش گران حشمونائی علیه حکومت اشغالگر یونان می توانستند موفق شوند و حکومت خودفرمان خویش را برپا سازند.

این سخنان به عنوان مقدمه لازم بود تا بدانیم که یهودیان اصولاً چه ارتباطی با ایرانیان دارند و ایرانیان چه روابط باستانی با یهودیان داشته اند و چگونه اماکن مقدس یهودی که موضوع این رشته گفتارهای ماست در ایران به وجود آمد.

هنگامی که در گفت و گوهای بعدی ما بتوانیم درباره یکایک اماکن مقدس یهودی در ایران توضیح دهیم، به آرامگاه یک بانوی مقدس یهودی نیز خواهیم پرداخت که "سِرَح بَت آشر" (שרח בת-אשר Serah Bat-Asher) نامیده می شود و مقبره او در اصفهان قرار دارد و مورد احترام مسلمانان نیز هست. برای علاقمندان توضیح خواهیم داد که اصولاً این آرامگاه چگونه برپا شد و این بانوی نواده حضرت یعقوب چگونه به خاک اصفهان رسید و در آن جا زیست و در همان جا چشم از جهان فرو بست و مدفون شد.

با همین توضیحات است که ما می توانیم درک کنیم که چرا آرامگاه دو مقدس یهودی به نام استر و مُردخای در همدان قرار گرفته است و یا حضرت دانیال چگونه به شهر شوش رسیده و در آن جا مدفون شده است - و همین طور برای دیگر اماکن مقدس یهودی در

ایران که نماد راستین ارتباطات تاریخی و چند هزار ساله بین دو ملت است و قدمت این روابط را نشان می دهد.

**پرسش - مطلب جالب آن که به گفته شما همه این اماکن مقدس یهودی مورد قبول و احترام مردم مسلمان ایران نیز قرار دارد...**

**پاسخ -** بله، بدون شک چنین است. البته هنگامی که ما فرصت کنیم به یکایک اماکن مقدس یهودی در ایران بپردازیم، در مورد هر یک از آن ها به این موضوع اشاره خواهیم کرد. مسلمانان نه تنها به آرامگاه و مزار انبیای یهود در خاک ایران اعتقاد دارند، بلکه حتی مقابر صدیقان و صاحبان کرامت و ملاحای بزرگ یهودی که در ایران دفن شده اند، مورد احترام مسلمانان قرار دارد که محل دفن یکی از این صاحبان کرامت به نام اُر شرگا در یزد و دیگری به نام ملا مُشه هَلوی در کاشان قرار دارد. مسلمانان به این اماکن می آیند و در آن جا دعا می خوانند و نذر و نیاز می کنند.

**امیر -** شما با این سخنان کنجکاوی و اشتهای ما را سخت برانگیختید که بدانیم این اماکن در کجا قرار دارند و شخصیت های مدفون در آن جا چه مقدسینی بودند و چگونه به آن جا رسیدند. این را می گذاریم به گفت و گوهای بعدی. سپاسگزاریم از شما.